وظیفهٔ جوانان و دانشجویان انقلابی ایران در شرایط کنونی

اوضاع سیاسی ، اقتصادی میهن ما با سرنگون شدن رژیم سابق وارد مرحله پیچیده و بغرنجی شده است . قبل از سقوط شاه ، تضادهای عمده و غیرعمده در ایران روشن و مشخص بود و تمام گروهها و نیروهای انقلابی و مردمی در مبارزهٔ علیه رژیم فاشیستی و امپریالیسم آمریکا یکدل و یك زبان بودند . ولی اکنون اوضاع تغییر کرده است . دو ابر قدرت ، امپریالیسم شوروی و آمریکا که برای تقسیم جهان بین خود شدیداً رقابت می‌کنند ، مانند دو سگ هار با وجود اینکه برای بلعیدن و نابودی جهان ، بخصوص کشورهای جهان سوم از هیچ حیله و تجاوزی روگردان نیستند ، با یکدیگر نیز شدیداً در تضادند و بر سر منافع خود دست بگریبانند . کشورهای شوروی و آمریکا که نماینده بورژوازی بزرگ و امپریالیسم هستند ، مانند فاشیسم هیتلری که جنگ جهانی دوم را بوجود آورد ، جهان را بسوی جنگ سوم جهانی سوق میدهند .

در مورد خاورمیانه و بخصوص ایران و خلیج فارس رقابت در این نقطه بخاطر دارا بودن اهمیت و موقعیت استراتژیك خاص و وجود مادهٔ حیاتی نفت ، این عامل عمده و مهم انرژی در جهان ، بسیار حاد و شدید می‌باشد . امپریالیسم آمریکا با بحران انرژی روبروست و در طول مدتیکه لوله‌های نفت در اثر اعتصاب کارگران مبارز و شجاع صنعت نفت ایران بسته شد ، از این مسئله به وحشت و هراس افتاد . قیمت بنزین در آمریکا و ژاپن و اروپا ناگهان بالا رفت و صفهای طولانی بنزین در آمریکا بوجود آمد . در این موقعیت بحرانی که حیات اقتصادی آمریکا و ژاپن و اروپای غربی بستگی به نفت خاورمیانه و ایران داشته ، امپریالیسم آمریکا با موقعیت بسیار خطرناکی که در اثر مبارزات مردم ایران بوجود آمده بود ، حاضر بعقب نشینی میشود . و عروسك خیمه شب بازی خود یعنی شاه را بخاطر منافع بخطر افتاده خود و باز شدن لوله‌های نفت و تامین این انرژی حیاتی و معاش قربانی میکند .

مسئله نفت و موقعیت استراتژیکی ایران و خلیج فارس برای امپریالیسم آمریکا مهمترین و اساسی ترین مسئله در رابطه با سیاستها و تغییر مواضعش در ایران می‌باشد . زیرا بدون نفت ایران و خاورمیانه ، اقتصاد و صنعت آمریکا و اروپای غربی و ژاپن یك لحظه نمی‌توان دوام آورد .

امپریالیسم شوروی هم مانند تزارهای کهن چشم طمع به ایران را داشته و تمام هدفش رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس می‌باشد و این درست در زمانی است که منابع نفتی موجود در شوروی تدریجاً کاهش می‌یابد و تا اوائل دههٔ ۱۹۸۰ باید برای خرید نفت سالانه ۱۰ میلیارد دلار خرج نماید . بنابراین اگر شوروی بتواند روزی ایران را تسخیر نموده و تحت کنترل خود درآورد ، آنوقت می‌تواند در تمام منطقه حکمروائی کند . بهمین دلیل استکه در بحبوحه درگیری و مبارزات مردم ، برژنف از رادیو مسکو فریاد میزند که چون شوروی مستقیماً به ایران محدود است ، نمی‌تواند نسبت به اوضاع کشور بی تفاوت بماند . در نتیجه از درون بوسیله مزدوران خود یعنی حزب توده و سایر خائنین آب را گل آلود میکند و از برون مرزهای ایران را مورد تهدید قرار میدهد .

اوضاع بغرنج و پیچیده ایران را باید در رقابت دو ابرقدرت شوروی و آمریکا و بخصوص خطر هژمونی سوسیال امپریالیسم در خاورمیانه و ایران مورد بررسی قرار داد . زیرا بدون در نظرگرفتن موقعیت حساس استراتژیك ایران و محاصره میهن ما بوسیله امپریالیسم روسیه و توطئه عمال و مزدورانش در ایران هرگز نمیتوان وظایف مارکسیست ـ لنینیستها و انقلابیون را تعیین و مشخص نمود . اهمیت ایران برای امپریالیسم شوروی و آمریکا و توطئه‌های این دو ابرقدرت و رقابتشان تاحدی است که آنها حاضرند برسر ایران جنگ بین‌المللی سوم را ایجاد کنند . این دسایس و توطئه‌ها تنها میتواند با مبارزات خلق قهرمان ما که در طول تاریخ همواره برعلیه نیروهای متجاوز بیگانه جنگیده و حاکمیت ملی و استقلال ایران را حفظ نموده‌اند ، درهم فرو ریخته شود . البته این مبارزات بدون رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست راستین ایران هرگز نمیتواند به پیروزی نهایی منتهی گردد . زیرا در طول تاریخ مبارزات نیم قرن اخیر در جهان ، مبارزاتی که رهبری آن در دست بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بوده ، بشکست منتهی گردیده است . برای مثال چرا انقلاب مشروطیت که یك انقلاب دمکراتیك وضد امپریالیستی بود ، شکست خورد ؟ چرا این انقلاب تنها توانست شاه را از تخت سلطنت بزیر بکشد ولی ایران همچنان در تحت سلطه امپریالیسم و فئودالیسم باقی ماند ؟ چرا دکتر مصدق رهبر ملی نتوانست نیروهای ارتجاعی دست نشانده امپریالیسم آمریکا را شکست دهد و میهن را از اسارت امپریالیسم و فئودالیسم نجات بخشد ؟ چرا مبارزات بیش از نیم قرن اخیر در ایران همواره بشکست انجامیده و قیامهای ملی و قهرمانه مردم بوسیله امپریالیسم انگلیس و آمریکا با قساوت و بیرحمی سرکوب شده است ؟ چرا در همین دوران انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تحت رهبری لنین برای اولین بار در تاریخ پیروز میگردد ؟ و در یك کشور آسیایی عقب ـ افتاده نیمه مستعمره ، نیمه فئودال مانند چین تحت رهبری صحیح حزب کمونیست و صدر مائو تسه دون ، انقلاب پیروز گشته و امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکرات شکست میخورد ؟

چرا حزب توده نتوانست انقلاب ایران را رهبری صحیح دهد و از پشت بدکتر مصدق که نماینده بورژوازی ملی و میهن پرست بزرگی بود خنجر زده و مبارزات پرشکوه مردم ایران را به شکست منتهی کرد ؟ ولی تحت رهبری مائو تسه دون و حزب کمونیست چین ، خلق چین در جنگ مقاومت ضد ژاپنی حتی با چیانکایچك متحد گردیده و او را وادار به تغییر سیاستهای ضد ملی و ضد کمونیستی اش میکنند تا اینکه خلق به آزادی و استقلال دست پیدا میکند .

باید تاریخ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل صحیح قرار داد . شکست مبارزات پنجاه ساله اخیر ایران در حالیکه لنین از " اروپای عقب مانده ، آسیای پیشرو" صحبت میکرد و آینده درخشانی را در مورد انقلاب دمکراتیك در ایران در نظر داشت ، بچه علت بوده است ؟

وظایف جوانان و دانشجویان انقلابی در وهلهٔ اول شناخت و سپس تغییر این جهان است . باید باین سئوالها پاسخ داد . باید معین کرد که مسئولیت و وظایف جوانان ما در این دوره بخصوص از تاریخ چیست . زیرا لنین میگوید :

" سرانجام پیروزی از آن کسی است که در جهت پیشرفت تاریخ حرکت کند . "

در این شرایط سخت که میهن بخصوص از طرف امپریالیسم روسیه و مزدورانش در خطر است و امکان تجزیه ایران وجود دارد ، چه باید کرد ؟ دولت بازرگان و امام خمینی یك دولت سوسیالیستی که تحت رهبری پرولتاریا بقدرت رسیده باشد نیست و به تائید همگان دولتی ضعیف است . نمی‌توان از درخت سپیدار انتظار میوه سرخ سیب را داشت !

هم اکنون یك رهبری راستین انقلابی و مارکسیستی ـ لنینیستی که بتواند به مبارزات مردم شکل داده و با قاطعیت از آزادی ، استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران دفاع کند ، کارگران و دهقانان را رهبری کرده و آنان را بسیج نموده و از ستم طبقاتی برهاند ، وجود ندارد . با فرار غارتگران سرمایه‌دار واحدهای صنعتی ، کارخانه‌ها و شرکتها بسته شده ، میلیونها نفر کارگر و دهقان بیکارند و اوضاع مملکت متشنج می‌باشد . روابط طبقاتی بهیچ وجه از بین نرفته بلکه استثمار و ستم سیاسی کارگران و دهقانان فقیر همچنان وجود دارد و در این میان احزاب خائن و مزدور امپریالیسم شوروی با فریاد از " خود مختاری " و " حق تعیین سرنوشت " و " از بین بردن " استثمار کارگران و دهقانان سخن میرانند تا بتوانند از این اوضاع آشفته باگل آلود کردن آب و اغتشاش ، زمینه را برای سلطه امپریالیسم روسیه در ایران فراهم آورند . متاسفانه

بقیه در صفحه ۵

پیش بسوی پیوند با کارگران و دهقانان !

بخاطر هرج و مرج و آشفتگی موجود در جبهه ایدئولوژیک و عدم یک رهبری قاطع و صحیح، رویزیونیستها و خائنین بمیهن بهترین فرصت را برای ضربه زدن به انقلاب ایران دارند.

باید پرسید که کجا هستند آن رهبران مارکسیست ـ لنینیست؟ زمانیکه در دوران خفقان رژیم فاشیستی، انقلابیون در نهایت درجه سختی مبارزه میکردند، در دورانیکه خلق قهرمان ما با قاطعیت در مقابل دولت دست نشانده امپریالیسم مبارزه میکرد، آقایان "مارکسیست ـ لنینیست" کجا بودند که اکنون برای میوه‌چینی بایران آمده‌اند. آنان چگونه میتوانند خلق را رهبری کنند؟ درحالیکه پر از اشتباه هستند و تنها منافع گروهی و سازمانی خود را درنظر میگیرند. آنان سالیان دراز در خارج از کشور بسر برده‌اند و در شرایط حاد میهن برای مدتهای مدید زندگی نکرده‌اند و نخواسته‌اند هسته سازمانهایشان را بایران بیاورند و با مبارزات خلق هیچگونه رابطه‌ای نداشته‌اند. بنابراین چگونه میتوانند یکباره از اوضاع اجتماعی، سیاسی میهن تحلیل صحیح بعمل آورند. بعضی از این دوستان پس از بازگشت بایران صادقانه از خود انتقاد کرده و به روش و سبک کار اشتباه‌آمیز خود برخوردی انتقادی میکنند. ولی برخی دیگر با غرور و نخوت از مبارزات "قهرمانانه" و "انقلابی" و "ایدئولوژیک" خود درخارج از کشور سخن میرانند. گوئینکه کوه کنده‌اند. پس از اینکه متوجه شدند مردم به مواضع غلط سیاسی و ایدئولوژیک آنان پی برده‌اند بدون هیچگونه توضیح و انتقادی موضع خود را تغییر میدهند. اگر این دوستان صادق هستند و هدفشان خدمت به خلق و میهن است باید برخلاف رویزیونیستهای مزدور و خائن حزب توده که سالیان دراز خارج از کشور در رختخوابهای گرم و نرم بسر برده و اکنون تمام جنایتها و اشتباهات خود را پرده پوشی میکنند و برای میوه‌چینی و رهبری "حزب طراز نوین طبقه کارگر" بایران آمده‌اند، خط فاصل و مرز قیقی بین خود و این مزدوران بکشند و از سبک کار و خط مشی اشتباه‌آمیز خود صادقانه و بی‌پرده انتقاد کنند و بیان نمایند که چرا مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خود را یکباره تغییر میدهند؟ تا مردم بدانند و بعلت این تغییر مواضع پی برند.

ما ایمان داریم که هر سازمان و گروهی که بخواهد این روش را در پیش گیرد و بجای غرور و نخوت و بالا بردن و بزرگ جلوه دادن خود و داشتن برخوردی ذهنی و غیرعلمی، تنها به منافع توده‌ها بیاندیشد و بمیهن خدمت کند، خلق آنان را به آغوش خویش خواهد پذیرفت.

مائوتسه دون میگوید:

"تازمانیکه روشنفکران با دل و جان خود را بمیان مبارزه انقلابی توده‌ای نیافکنده‌اند، با تصمیم قطعی نگرفته‌اند که بمنافع توده‌ها خدمت کنند و با آنها یکی شوند اغلب به شیوه تفکر ذهنی و منش انفرادی گرایش دارند، افکار آنها غالبا عملی نیست و در فعالیت خود اغلب ناپایداری نشان می‌دهند.

.... روشنفکران تنها در جریان شرکت طولانی در مبارزه توده‌ای است که می‌توانند معایب خود را مرتفع سازند."

(انقلاب چین و حزب کمونیست ـ دسامبر ۱۹۳۹ ـ آثار منتخب جلد دوم)

در این موقعیت پیچیده وظیفه جوانان و روشنفکران انقلابی چیست؟ نیروهای عمده و اصلی انقلاب را چه کسانی تشکیل میدهند؟ کدام طبقات رکن اصلی انقلاب هستند؟ دوستان و دشمنان واقعی خلق کدامند؟ این مسئولات مهمترین مسئله را در شرایط فعلی برای تمام نیروهای مترقی از جمله جوانان و روشنفکران انقلابی تشکیل میدهند.

نیروهای اصلی و عمده انقلاب ایران را پرولتاریا، طبقه دهقانان، روشنفکران مترقی و کلیه نیروهائیکه مایلند با امپریالیسم و دشمنان ایران مبارزه کنند، تشکیل میدهند. اما ستون فقرات انقلاب کارگران و دهقانانند و نیروی عمده و اصلی انقلاب همانا کارگران و دهقانان می‌باشند. کارگران و دهقانان ایران اصیل‌ترین و مبارزترین نیروهای انقلابی می‌باشند. کارگران و دهقانان میهن ما وارثان فرهنگ و آداب و رسوم چندین هزارساله طبقات مبارز و انقلابی هستند. آنان دارای روحی عظیم و عمیق به ژرفای اقیانوسها و تجربه هزاران سال مبارزه طبقاتی اند. دهقانان ایرانی سمبل مقاومت، کوشش، شجاعت و عشق و نفرت هستند. هرکس به قلب توده‌های کارگران و دهقانان راه یابد پیروزی در مشت اوست و فناناپذیر میگردد.

جوانان و دانشجویان و روشنفکران باید این نکته اصلی و مهم را دریابند پیمان کارگران و دهقانان که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل میدهند، بروند و آنان را بسیج و متشکل کنند زیرا تنها با اتکا و پیوند با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان است که جوانان و دانشجویان میتوانند بمواضع صحیح و قاطع دست یابند.

اکنون در میهن ما حزب کمونیست راستین ایران که بمبارزات خلق رهبری دهد، وجود ندارد. چگونه باید چنین حزبی را بوجود آورد؟ از طریق سخن پردازی، روزنامه‌نگاری و بحثهای اکادمیک درباره مارکسیسم که متاسفانه گریبان بسیاری از گروهها را میفشارد؟ یا از طریق شرکت در انتخابات و پارلمان و بدست آوردن اسم و رسمی برای خود؟

حزب کمونیست ایران تنها بوسیله تشکیلات پرولتاریائی از طریق مبارزات کارگران و دهقانان بوجود می‌آید و این وظیفه خطیر و بزرگ بعهده همه مارکسیست ـ لنینیستها می‌باشد. هرکس هرراه دیگری را انتخاب کند، مطمئنا شکست میخورد. بنابراین اولین و مهمترین وظیفه برای جوانان و دانشجویان و روشنفکران انقلابی، برقرارکردن پیوند با کارگران و دهقانان زحمتکش میهن می‌باشد. رفیق مائوتسه دون میگوید:

"چگونه باید سنجید که یک جوان انقلابی است؟ با کدام معیار باید آنرا اندازه گرفت؟ تنها یک معیار می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینستکه آیا این جوان مایل است با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان درآمیزد و آیا بدان عمل میکند یا نه. چنانچه او مایل به درآمیختن با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان باشد و بدان عمل کند، فردی انقلابی است و الا فردی غیرانقلابی یا ضدانقلابی است. اگر او با توده‌های کارگران و دهقانان درآمیزد او را امروز میتوان فردی انقلابی نامید، ولی چنانچه او خود را از آنان ببرد و حتی بر مردم عادی ستم کند، آنگاه فردی غیرانقلابی و یا ضدانقلابی خواهد شد."

(سمت جنبش جوانان ـ منتخب آثار جلد ۲)

و این رهنمود بزرگ از آموزگار پرولتاریای سراسر جهان، تنها راه برای تک تک جوانان و روشنفکران مترقی ایران می‌باشد. درست بر خلاف رویزیونیستهای حزب توده و اپورتونیستها که در شعار "مغز فرماندهی" برای خود تشکیل داده و با توده‌های زحمتکش کارگران و دهقانان هیچگونه پیوند که سهل است، بلکه هیچگونه رابطه‌ای هم ندارند. مبارزات آنان جدا از توده‌های کارگران و دهقانان است و آنان دشمن کارگران و دهقانان می‌باشند و کارگران و دهقانان با نفرت به آنان مینگرند.

رفیق مائوتسه دون میگوید:

"وقتیکه میخواهیم درباره شخصی قضاوت کنیم .... که مارکسیستی واقعی یا کاذب است، کافی است معلوم نمائیم که مناسبات وی با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان چگونه است و سپس مطلب برای ما روشن خواهد شد. این یگانه معیار است و معیار دیگری موجود نیست. من امید وارم که جوانان سراسر کشور هرگز نگذارند که خود در این جریان مخالف سیاه بیافتند، و باید درک کنند که کارگران و دهقانان دوستان آنها هستند و به پیشواز آینده‌ای تابناک بشتابند."

(سمت جنبش جوانان ـ آثار منتخب جلد ۲)

پیوند با توده‌های کارگران و دهقانان ضامن پیشرفت و پیروزی واقعی هرجوان، گروه و یا سازمان مترقی است و این خود بمعنای وظیفه اصولی و اصلی در مبارزه برعلیه رویزیونیسم و اپورتونیسم "چپ" و راست می‌باشد.

اکنون بخاطر وجود آزادیهای نسبی با ایجاد کمی پیچیدگی و درک شرایط، بسادگی میتوان بمیان کارگران و دهقانان رفت. مبارزات ایدئولوژیک و مطالعه آثار انقلابی مارکس، انگلس، لنین، استالین ـ مائوتسه دون تنها می‌تواند در پروسه پیوند با کارگران و دهقانان به بهترین وجه مورد استفاده قرار گیرد. کارگران و دهقانان، آموزگاران ما در عمل هستند و بهتر از هرکسی بما یاد میدهند که چگونه میتوانیم به آنان خدمت کنیم و با آنان یکی شویم و انقلاب ایران را بسر منزل پیروزی برسانیم.

رفقا و دوستان:

ما رسالت بزرگی را بر دوش داریم. بیائید سدها را با هم بشکنیم، بیائید زنجیرهای روشنفکرانه قلابی و خرده بورژوازی را پاره کنیم، بیائید وابستگی گروهی و فردگرائی را بدور اندازیم و تنها به انقلاب ایران فکر کنیم. کشتی انقلاب ایران عزیز بدون ناخدا است. حزب کمونیست ایران ناخدای کشتی انقلاب میهن ما در این دوران طوفانزاست. بیائید با قاطعیت و شجاعت تمام نیروهای خود را در راه پیوند با کارگران و دهقانان بکار بریم. مطمئنا حزب کمونیست ایران ایجاد خواهد گشت و مطمئنا انقلاب ایران پیروز میگردد.

پیش بسوی پیوند با کارگران و دهقانان!

جنبش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران (م ـ ل)

شهریور ۱۳۵۸